

تحلیل نقش سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی کشورها (با تأکید بر سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی)

کیومرث یزدان پناه درو^{۱*}، ریباز قربانی نژاد^۲، سیامک عباسی^۳

۱-دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه تهران

۲-استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

۳-دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل نقش سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی کشورها (با تأکید بر سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی) بود. پژوهش حاضر از نوع مطالعات توسعه‌ای کاربردی است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش سندپژوهی در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا تدوین شده است. جامعه آماری پژوهش از میان صاحب نظران و فعالان دفاعی - امنیتی - سیاسی کشور می‌باشد که شامل نیروهای مسلح - سازمان‌های کشوری - دانشگاه‌ها و مجموعه‌های مرتبط می‌باشد که ۱۱ نفر به صورت هدفمند برای مصاحبه‌های کیفی در مورد موضوع تحقیق انتخاب شدند به منظور جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای، شامل بررسی اسناد و مدارک، گزارش‌های مستند، مقاله‌های علمی معتبر (بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴)، و وب سایت‌های معتبر در زمینه موضوع پژوهش و مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. بعد از این که از طریق مطالعه ادبیات نظری پژوهش سوال‌های مصاحبه تدوین شد، قبل از انجام مصاحبه، مصاحبه شوندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مشخص گردیدند و در این میان کسانی که دارای تجربه بیشتر در رابطه با موضوع پژوهش بودند انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل محتوای کیفی استقرایی بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه سیاسی - امنیتی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند تاثیرگذار باشد نتایج همچنین نشان داد که سیاست خارجی توسعه‌گرا در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی فرا منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه بحران سیاسی - امنیتی، بحران اجتماعی و بحران اقتصادی می‌تواند تاثیرگذار باشد.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی، دولت توسعه‌گرا، وزن ژئوپلیتیکی، ترکیه.

مقدمه

حدود یک قرن است که مقوله توسعه در کشورهای جهان سوم و کشور ما از نگرانی‌های مردم و دولت‌ها بوده است. توسعه‌یافتگی آرزوی دیرین شهروندان است. در دهه‌های اخیر، با ظهور کشورهای توسعه یافته جدید، به خصوص کشورهای شرق آسیا (موسوم به بیرهای آسیا) و فاصله چشمگیر آن‌ها از کشورهای جنوب، امیدواری بسیاری در کشورهای کمتر توسعه یافته ایجاد شده است. توسعه و افزایش قدرت و ثروت همواره دغدغه اصلی دولت‌هایی محسوب می‌شود که براساس آرا مردم شکل گرفته‌اند. رهبران این کشورها به‌خوبی به این مسئله واقف هستند که بی‌توجهی به امر توسعه و مؤلفه‌های آن می‌تواند در آینده خطرات جدی بر امنیت ملی آن‌ها داشته باشد. همچنین آن‌ها می‌دانند که افزایش قدرت دیگر کشورها بخصوص همسایگان (چنانچه نتوانند پا به پای آن‌ها توسعه پیدا کنند) به‌نوعی تهدیدی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (ناس^۱، ۲۰۰۸).

پیداست که با هر الگویی از سیاست خارجی، نمی‌توان به تقویت مؤلفه‌های اقتصادی قدرت ملی همت گماشت، بلکه اتخاذ و در پیش گرفتن نوع خاصی از سیاست خارجی که به سیاست خارجی توسعه‌گرا موسوم شده است، ضرورت دارد. تجربه کشورهای موفق در حال توسعه از چین تا هند، برزیل و کره جنوبی نشان می‌دهد که سیاست خارجی توسعه‌گرا نقش کلیدی در توسعه و پیشرفت آن‌ها داشته است به دیگر سخن پیشرفت این کشورها را نمی‌توان به سیاست خارجی توسعه‌گرا فروکاست، اما بی شک این سیاست شرط لازم توسعه آن‌ها بوده است (واعظی، ۱۳۸۷). براساس تجارب جهانی بدون ارتباط با دنیا، توسعه و افزایش قدرت و ثروت ملی امکان پذیر نیست. سیاست خارجی در دولت‌های توسعه‌گرا به حدی اهمیت دارد که نهاد هدایت‌گر دولت‌های توسعه‌گرا را سیاست خارجی می‌دانند. در جهان وابستگی متقابل یک پیوند ناگسستنی میان توسعه و سیاست خارجی شکل گرفته است. مباحث اقتصادی در حوزه سیاست خارجی، مانند قابلیت جذب سرمایه خارجی، دریافت وام‌های توسعه‌ای و مشارکت در نهادهای اقتصاد بین‌الملل رابطه مستقیمی با برنامه توسعه‌ای کشورها و رشد اقتصادی آن‌ها پیدا کرده است (ولی قلی زاده و ذوقی بارانی، ۱۳۹۱).

مبانی نظری

در ترکیه به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ موجب تغییر و تحول مهمی در عرصه سیاست داخلی و به ویژه سیاست خارجی این کشور شده است. این حزب با ایجاد اصلاحات در سیستم سیاسی، نظامی، اداری و اقتصادی ترکیه و دستیابی به موفقیت‌های گسترده داخلی، توانست موقعیت و نفوذ خود را تحکیم بخشد. تغییرات به

^۱- Nas

وجودآمده درسیاست خارجی ترکیه بیش از اقدامات دیگر این حزب درخور توجه است واذهان سیاست مداران داخلی و خارجی را به خود مشغول کرده است. همزمان با اصلاحات و گشایش‌ها در اقتصاد داخلی، این کشورها سیاست خارجی را نیز به خدمت توسعه درآورده‌اند. دولت توسعه‌گرا خود متصدی فعالیت‌های اقتصادی نیست، بلکه نقش سکان‌دار توسعه را ایفا می‌کند. آدریان لفت ویچ (۲۰۰۵) دولت توسعه‌گرا را گونه‌ای از دولت می‌داند که قادر به تولید حرکت پایدار در مسیر توسعه است و این امر مهم از نوع روابط سیاسی و اقتصادی‌شان با نظام جهانی و به خصوص بازیگران اصلی آن منبعث می‌شود. سیاست خارجی در دولت‌های توسعه‌گرا به حدی اهمیت دارد که نهاد هدایت‌گر دولت‌های توسعه‌گرا را سیاست خارجی می‌دانند.

سیاست خارجی برعناصر خاصی تأثیرمی‌گذارد و همین عناصر جهت‌گیری آن را تعیین و به عنوان معیار و شاخصه‌ای برای ترسیم استراتژی‌های یک کشور عمل می‌کنند. عنصر «ژئوپلیتیک» هم به عنوان بستری برای کنش یک بازیگر و هم رویکرد نظری برای تبیین سیاست خارجی، از عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده در سیاست خارجی به شمار می‌رود. مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار برسیاست خارجی ترکیه نیز عنصر ژئوپلیتیک است؛ درواقع سیاست خارجی ترکیه با ژئوپلیتیک این کشور درهم تنیده شده است. داوداوغلو معتقد است که ترکیه به دلیل عمق جغرافیایی و تاریخی و تمدنی خود دارای عمق استراتژیک است و متعاقباً اهمیت یک ملت در نظام بین‌الملل از موقعیت ژئوپلیتیکی آن ملت سرچشمه می‌گیرد. بر پایه چنین نگرشی، رهبران ترکیه با تکیه بر ژئوپلیتیک کشور خود درصدد تنوع بخشی به قلمرو بازیگری خود برای کسب جایگاه مهم در صحنه نظام بین‌الملل برآمدند (اوکتیم، ۲۰۱۱).

اتخاذ یک سیاست خارجی منطقی در تدوین و پیشبرد اهداف هر کشوری به منظور تأمین منافع ملی، مهم‌ترین اصل اساسی به شمار می‌رود. براین اساس سیاست خارجی عبارت است از: مبانی نظری و الگوهای رفتاری یک دولت برای تبیین و تحصیل منافع ملی و امنیت ملی در برابر سایر بازیگران رسمی و غیررسمی در صحنه بین‌المللی. سیاست خارجی را می‌توان در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی بررسی نمود که متناسب هر یک از سطوح، فرایند سیاست خارجی نیز متفاوت است. در این ارتباط یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی، عوامل انسانی و طبیعی و به طور کلی جایگاه یک کشور در مجموعه نظام جهانی است که به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود. از این رو، ژئوپلیتیک را می‌توان روش تحلیل میان عناصر جغرافیایی و فرایندهای سیاسی تعریف کرد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳). در اصل، ژئوپلیتیک عبارت است از: مطالعه روابط قدرت براساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶).

داوداوغلو که اکنون از او به عنوان «هنری کسینجر» ترکیه یاد می‌شود، با مطرح کردن تئوری عمق استراتژیک، نقش مهمی در جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه داشت (کالچی، ۱۳۸۶). داوداوغلو در تلاش برای تغییر سیاست خارجی ترکیه از حالت

واکنشی به استراتژی فعالی است که هدف آن احیای عظمت امپراتوری عثمانی و تبدیل ترکیه به ابرقدرت منطقه ای است. چشم انداز استراتژیک نوعثمانی‌گرایی منعکس کننده دامنه جغرافیایی از امپراتوری بیزانس و عثمانی است (کوهن، ۲۰۱۳، ۱). ترکیه در سال‌های اخیر با روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه در سیاست داخلی و خارجی خودش تغییر و تحولات زیادی به وجود آورده است. تا قبل از این سیاست غرب‌گرا و تک بعدی در دستگاه دیپلماسی این کشور سایه افکنده بود و ترکیه منافع خود را در رابطه با غرب و عضویت در اتحادیه اروپا تعریف می‌کرد. اما با روی کارآمدن دولت جدید، سیاست خارجی این کشور تبدیل به یک سیاست خارجی واقع‌گرا و چند بعدی شد، و این دولت توانست ترکیه را از یک کشور نسبتاً ضعیف در روابط بین‌الملل تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای نماید، بطوریکه امروزه شاهد گسترده شدن نفوذ و منافع این کشور در عرصه‌ها و مناطق مختلف جهان هستیم. ترکیه امروز در زمینه بیداری اسلامی، خاورمیانه، انرژی و انتقال آن و گسترش نفوذ به آسیای مرکزی و قفقاز برای خود برنامه‌ریزی دارد (فلاحی پیشه و همکاران، ۱۳۹۴).

یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، چند جانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل و توجه به مناطق پیرامونی می باشد. یکی از مناطقی که در این زمان برای مقامات ترکیه اهمیت داشت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. از این رو ترکیه تلاش می نمود تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به عنوان کلید دست یافتن ترکیه به این منطقه و منافع آن بود. زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب می‌شد، از همین رو ترکیه روابط مستحکمی را با این کشور برقرار نمود. امروزه روابط آنکارا-باکو، روابط پایدار و رو به گسترشی است (کایا، ۲۰۰۹، ۲).

از لحاظ ژئوپلیتیک، قفقاز منطقه‌ای هم مرز با ترکیه است و این هم مرزی می‌تواند در منافع ترکیه تأثیر به‌سزایی داشته باشد. از طرفی قفقاز منطقه‌ای است که ترکیه را به دریای خزر متصل می‌کند و همچنین این منطقه راه ورود ترکیه به آسیای مرکزی است. ضمن آنکه پس از فروپاشی شوروی این منطقه به منطقه‌ای حائل میان ترکیه و روسیه و از طرف دیگر میان ناتو و روسیه تبدیل شده است. ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلومتر با قفقاز مرز مشترک دارد و از جنوب غربی قفقاز را دربرمی‌گیرد و علاوه بر مرز زمینی، ترکیه در دریای سیاه نیز با قفقاز مرز مشترک آبی دارد (افشردی، ۱۳۸۱).

مهم‌ترین فاکتور سیاست خارجی ترکیه در قفقاز، عادی سازی روابط با ارمنستان برای دستیابی به وزن ژئوپلیتیکی در این منطقه است. تقویت این سیاست به تغییر ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه وابسته است که بعد از جنگ گرجستان و روسیه روند شتابانی داشته است. ترکیه خود را به عنوان بازیگری مستقل به نمایش درآورده است که لایق شکل‌دهی به موقعیت ژئوپلیتیکی در قفقاز است (فولکاوسکی، ۱۳۸۸).

با توجه به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به عنوان اصل اول «کمالیسم» موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه را در قبال منطقه تحت تأثیر قرار داده بود؛ به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه جنوب

1- Cohen

2- kaya,

غرب آسیا در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار داشت. اما به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه باعث شد که ترکیه توجه خود را به مسائل جنوب غرب آسیا بیشتر کند و درصدد برآید نقش فعال‌تری در این منطقه ایفا کند.

تحولات جنوب غرب آسیا و خیزش جریان اسلام گرایی موجب چالشی معنایی شده است که اگر آن را با آسیب دیدگی نظم سیاسی منطقه‌ای جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهورکنار هم قرار دهیم، ابعاد بیشتری از تحولات آشکار می‌شود. مهم‌ترین بحران‌های سیاسی جهان معاصر در این منطقه رقم می‌خورد و چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی از عوامل شکل دهنده، تشدیدکننده و تداوم بخش بحران در این حوزه جغرافیایی است. چشم انداز خیزش‌های مردمی بیانگر آغاز تحولات ژئوپلیتیکی گسترده در فضای جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا است و جغرافیای سیاسی منطقه را متأثر می‌کند. برای تعیین سطح و وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای منطقه، باید سیاست خارجی و قدرت ملی آنها را مورد سنجش قرارداد. سنجش سیاست خارجی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه مولفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی است. برای شناخت سیاست‌های خارجی کشورها و سطح قدرت آنها در یک رابطه سلسله مراتبی، سنجش وزن ژئوپلیتیکی آنها ضروری است، از این رو مساله اساسی پژوهش حاضر، تحلیل نقش سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی کشورها (با تاکید بر نقش سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی) می‌باشد.

پیشینه تحقیق

کاکایی و دهقانی (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان سیاست ترکیه در مناقشه قره‌باغ انجام دادند براساس این مطالعه سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۱۶ به بعد و پس از مداخلات نظامی در سوریه، بعدی تهاجمی به خود گرفته است. به نظر می‌رسد که حمایت‌های ترکیه از جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ و روند تحولات پس از آن تداوم همان سیاست نظامی‌گری آنکارا در محیط پیرامونی است. براساس نتایج این پژوهش ترکیه با ورود غیرمستقیم به مناقشه قره‌باغ به دنبال گسترش نفوذ و افزایش قدرت نسبی خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی است در بررسی نظری جنبه‌های سیاست خارجی درگیرانه ترکیه در مناقشه قره‌باغ و پاسخ به پرسش پژوهش از نظر واقع‌گرایی و به ویژه واقع‌گرایی تهاجمی بهره گرفته شده است.

عبدی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه انجام دادند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روابط ژئوپلیتیکی در این دوره تحت تأثیر سه عامل رقابت، تعارض و همکاری قرار داشته است. می‌توان بیان نمود که ایران و ترکیه در سطح منطقه‌ای علاوه بر همکاری‌های گسترده در زمینه انرژی و پرونده هسته‌ای به عنوان رقیب یکدیگر مطرح هستند و هر یک در تلاش برای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود در قالب مطرح شدن به عنوان قدرت سطح یک در منطقه غرب آسیا هستند. در نهایت نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با استفاده از الگوهای تعارض، همکاری و رقابت می‌توان سیاست خارجی متناسب با شرایط را تدوین نمود و از طریق تدوین سیاست‌های صحیح در راستای رسیدن به اهداف و منافع ملی گام برداشت.

احمدی (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه انجام دادند. براساس نتایج این پژوهش سیاست‌های خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه رویکرد نوینی را در پیش گرفته و دچار دگرگونی شده است پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ دستگاه سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر غرب محوری و غرب مداری، نگاه به شرق و فاصله گرفتن از سیاست‌های پان‌ترکیستی به همراه گرایش جدی برای عضویت در اتحادیه اروپا را الگوی کار خود قرار داد. ترکیه مصمم است تا نگاه امنیتی حاکم بر روابط ترکیه و روسیه در گذشته را به نگرشی مسالمت آمیز بر روابط دو کشور تبدیل کند در واقع این کشور به دنبال یک سیاست خارجی چند وجهی است اما سیاست جدید حزب عدالت و توسعه همواره با این انتقاد روبرو بوده است که در تعارض با سیاست‌های غربی گرای این کشور قرار داشته است.

فلاحی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان بازخوانی جایگاه سیاست خارجی توسعه‌گرا در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران انجام دادند پژوهش حاضر با بازخوانی این اسناد، در پی پاسخ به این پرسش هاست: راهبرد توسعه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی چه الگویی دارد؟ رابطه میان این الگو با سیاست خارجی توسعه‌گرا چگونه است؟ در پاسخ به پرسش‌ها، استدلال می‌شود که الگوی توسعه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران برونگرای درون محور است. این الگوی توسعه بدون سیاست خارجی توسعه‌گرا امکان عملیاتی شدن ندارد. پژوهش حاضر از نوع مطالعات توسعه‌ای کاربردی است که با رویکرد توصیفی تحلیلی و با روش سندپژوهی در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا تدوین شده است.

اسلامیان و حبیبی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا انجام دادند یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نبود استراتژی‌های اقتصادی مشخص، موجب نوسان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه انقلاب و به ویژه از سال ۱۳۶۸ تاکنون شده است. پیگیری سیاست‌های مقطعی در اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت ج.ا.ایران و محقق نشدن اهداف پیش بینی شده در برنامه‌های توسعه پنج ساله از ویژگی‌های این دوران محسوب می‌شود که از پیامدهای آن می‌توان به عدم مقاوم سازی اقتصاد ملی، جهت گیری انفعالی در سیاست خارجی کشور و اثرپذیری تحریم‌ها اشاره کرد.

امیدی و قلمکاری (۱۳۹۸) در پژوهشی به تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه‌گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه پرداختند هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین نقش سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا، با تمرکز بر کشور ترکیه، در فرآیند توسعه اقتصادی است. لذا، این پرسش مطرح است که سیاست خارجی توسعه‌گرایانه چه نقشی در پیشبرد توسعه و رشد اقتصادی ترکیه طی دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه داشته است؟ در پاسخ، این فرضیه به روش توصیفی تحلیلی و در یک چارچوب مفهومی مفصل بندی شده شش وجهی مورد ارزیابی قرار گرفته است. دولت توسعه‌گرای حزب عدالت و توسعه در دوران حاکمیت خود توانسته است بین توسعه اقتصادی و سیاست خارجی تعامل برقرار کند و در صدد است تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را به ۱۰ کشور برتر اقتصاد جهان تبدیل نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ترکیه در سال ۲۰۱۷ در جایگاه سیزدهمین کشور جهان از جهت تولید ناخالص ملی ایستاده است. این مهم حاصل نشده است مگر از طریق

ریل گذاری سیاست خارجی برای توسعه. همانطور که از عنوان برمی آید مقاله حاضر بحران اقتصادی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ ترکیه را پوشش نمی دهد و در نتیجه دلایل آن را نمی کاود. شکی نیست نوع سیاست ترکیه در بحران سوریه و چالش های سیاسی این کشور با آمریکا، اسرائیل، اروپا و عربستان و مصر تأثیر معکوس در توسعه اقتصادی این کشور داشته است. ولی در مجموع، ترکیه مدل نسبتاً موفقی در همسویی سیاست خارجی و توسعه اقتصادی محسوب می شود.

غلامعلی، سلیمانی؛ رضاپور، دانیال؛ فاضلی، سامان (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیستها و پساکمالیستها در جمهوری ترکیه پرداختند سؤال اساسی مقاله این است که آیا با قدرت یابی پساکمالیستها تغییر معناداری در سیاست خارجی ترکیه رخ داده یا صرفاً تعدیلات کوچکی در رویکرد سیاست خارجی این کشور پدید آمده است؟ در پاسخ، فرضیه مقاله این است که گفتمان کمالیسم در اساس با پساکمالیسم متفاوت است، از این رو با قدرت گیری گفتمان جدید، تغییرات مهمی در سیاست خارجی ترکیه پدید آمده است و این تغییرات از طریق رویکرد تطبیقی در سه مورد اتحادیه اروپا، خاورمیانه و مسئله فلسطین نشان داده شده است. البته این گفتمان نوپدید نمی تواند به یکباره در ابعاد داخلی و خارجی، از گفتمان هژمونیک پیشین با قدمت هشت دهه به یکباره بگسلد. رویکرد پساکمالیسم هم اکنون در مراحل جنینی و تکوین خود است و از این رو در عمر کوتاه حکومت حزب عدالت و توسعه شاهد تغییراتی در درون پساکمالیسم و رویکردهای اتخاذی هستیم و همانگونه که در مطالعات موردی نشان داده شده شواهد مهمی از تغییر در سیاست خارجی ترکیه هم اکنون نیز قابل مشاهده است.

صیادی و سنایی (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال های ۱۹۹۱-۲۰۱۶ انجام دادند و نشان دادند وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی، دو رخداد دگرگون کننده ای بود که به طرزی همزمان تاریخ و ایدئولوژی و جنگ سرد را به چالش کشید و نشانه هایی از آغاز یک عصر تازه در تقابل / تعامل میان ایران و روسیه را پدیدار ساخت. انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را آرمان گرا ساخت و فروپاشی شوروی، روسیه را به آوردگاهی غیرایدئولوژیک داخل نمود. اکنون، کد / ژنوم های مبتنی بر پایه های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواتمیک، هیدروپلیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست خارجی دو کشور ایران و روسیه را بیش از پیش، به همدیگر وابسته ساخته است؛ آمیختگی نوعی نیاز ناچار و نفرت تاریخی، دو کشور را در میان انواع پیچیدگی ها، اسیر ساخته است تاجایی که، نه می توانند و نه می خواهند و نه می بایست مشی مستقلانه ای را در روابط خارجی خود، پیشه سازند. کدهای ژئوپلیتیک روسیه به همراه ژنوم های ژئوپلیتیک ایران، به نحوی شگفت آور، به هم وابسته شده اند. از منظر دو نگاه گزلفاشفتی و گماینشافتی به روابط ایران و روسیه نشانگر آن است که هم از دیدگاهی تاریخی و فرهنگی و هم از منظر کارکردی، سیاست خارجی ایران و روسیه، ویژگی کناکشی دارند و کش و قوس میان کد / ژنوم های دو کشور، به شیوه بازیگری آنها نسبت به همدیگر و نسبت به دیگر بازیگران قدرتمند نظام بین الملل، وابسته شده است.

لاهوئیان (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان دولت توسعه گرا و آینده آن در فرایند جهانی شدن انجام داد در مقاله حاضر، دولت توسعه گرا به منزله تجربه ای در سطح جهان و به خصوص شرق آسیا بررسی شد و به بنیان ها و آینده پیش روی مترتب بر آن در قرن بیست و یکم، با در نظر گرفتن مقوله جهانی شدن و فرصت ها و چالش های آن پرداخته شد. همان طور که اشاره

شد حتی سازمانی چون بانک جهانی که بازویی مهم در هدایت کشورها به سوی جهانی‌شدن بوده و دارای نقشی تأثیرگذار در این زمینه است بر نقش بی‌بدیل دولت‌ها صحنه می‌گذارد و دخالت آن‌ها را در اقتصاد و توسعه کشورها ناگزیر می‌داند. به نظر می‌رسد مدل دولت توسعه‌گرا حتی در دنیای جهانی شده کنونی نیز ظرفیت و توانایی پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات برنامه‌ریزان را دارد، به خصوص که این تئوری خود بر بنیان‌های به روز و محکمی نظیر نظریه رشد نوین، رویکرد نهادی و رویکرد قابلیت استوار است. با این حال، باید توجه داشت که مدل دولت توسعه‌گرا تحت شرایط محیطی کشورهای شرق آسیا متولد و به ثمر رسیده است.

فلاح پیشه و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه انجام دادند این مقاله در صدد است با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی جنبه‌های سیاست خارجی ترکیه در قفقاز و تقابل منافع آن با دو کشور قدرتمند ایران و روسیه در این منطقه از منظر جغرافیای سیاسی بپردازد. سیاست‌های ترکیه در این منطقه در تقابل با منافع ایران و روسیه می‌باشد و سبب تحدید منافع منطقه‌ای ایران و روسیه شده است. سؤال اصلی مقاله این است که سیاست‌های قفقازی ترکیه چه تأثیراتی بر منافع ایران و روسیه گذاشته است که سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان آنها در قفقاز شده است؟ فرضیه مقاله حاضر نیز این است که، سیاست‌های ترکیه در قفقاز، به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منافع منطقه‌ای ایران و روسیه و تهدید منافع آنها، سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان ترکیه با ایران و روسیه در قفقاز جنوبی شده است.

موثقی و علی زاده (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان سیاست خارجی توسعه‌گرای ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه: مورد قفقاز انجام دادند این نوشتار نشان می‌دهد که با وجود گرایش‌های اسلام‌گرایانه حزب، هدف‌ها و ملاحظات توسعه‌ای همچنان اولویت نخست سیاست خارجی ترکیه هستند و سیاست خارجی این کشور در منطقه قفقاز که منابع انرژی و بازار گسترده‌ای برای صنایع رو به رشد ترکیه و کسب و کارهای کوچک و متوسط منطقه آناتولی و نیز اهمیت زیادی در کریدور انتقال انرژی از شرق به غرب دارد توسعه‌گرایانه است.

آجورلو و محمودی (۱۳۹۲) تأثیر ژئوپلیتیک ترکیه بر سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه را مورد بررسی قرار دادند. این مقاله تلاش داشت با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که ژئوپلیتیک ترکیه چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه داشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک ترکیه بر جهت‌گیری و تدوین سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه در چارچوب عمق استراتژیک تأثیر گذاشته است تحولات به وجودآمده در سیاست خارجی ترکیه و تمایل این کشور به کشورهای شرق به ویژه جنوب غرب آسیا و جهان اسلام، مهم‌ترین تغییری است که رویکرد این کشور را نسبت به منطقه دگرگون کرده است؛ ولی نگاه به شرق ترکیه را باید به عنوان تاکتیک این حزب برای رسیدن به اهداف استراتژیک ترکیه یعنی تحکیم جایگاه آن در معادلات سیاست و قدرت غرب و به خصوص آمریکا دانست. رهبران اسلام‌گرای ترکیه به خوبی آگاه هستند که ضمن تداوم روابط با غرب و همراهی آمریکا، به واسطه برقراری روابط دوستانه با کشورهای پیرامونی می‌توانند از هزینه‌های روابط متشنج بکاهند و قدرت خود را در نظام بین‌الملل تقویت کنند. در کل سیاست خارجی کنونی ترکیه متأثر از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، مبتنی

بر عملکردی، واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی است که هیچ‌سختی با رویکرد ایدئولوژیک ندارد و با تداوم حاکمیت این حزب شکی نیست که چنین نگرشی راه‌گشای آنها در آینده نیز خواهد بود.

مصلی‌نژاد و اکبری (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر انجام دادند براساس یافته‌های این پژوهش وظیفه آغازین دولت‌ها در جوامع، حفظ نظم و تأمین امنیت بود در حالی که با گسترش و پیچیدگی روابط انسانی، نقش و وظایف دولت نیز گسترش یافت و ابعاد مختلفی از فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی را شامل گردید؛ اما این که چه حدی برای دخالت دولت در اقتصاد وجود دارد، سوالی پیچیده است که دیدگاه‌ها و مکاتب متفاوتی را در جهان موجب شده است. رشد و توسعه اقتصادی پرشتاب در کشور ترکیه طی دهه‌های اخیر، سوالات جدی را در بین مردم، دولتمردان و نخبگان علمی و سیاسی، پیرامون چرایی و چگونگی توسعه اقتصادی در ترکیه مطرح کرده است. فرضیه این پژوهش این است که در کشور ترکیه طی سه دهه اخیر دولت توسعه‌گرا شکل گرفته و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی، رشد و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورده است.

دانش‌نیا (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ج.ا.ا. در اقتصاد جهانی انجام داد به نظر نگارنده برای ساختار اقتصاد سیاسی و دیپلماسی ج.ا.ا. راهبردی کارگشاست که نه‌آنگونه که پارادایم‌های امنیت‌محور تأکید می‌کنند، با نگاهی تدافعی - امنیتی و انزواگرایانه به ظرفیت‌های محدود ملی اکتفا کند و نه‌آنگونه که نگاه لیبرالی تجویز می‌کند، با به‌انفعال کشاندن دولت و حاشیه‌ای نمودن آن از عرصه توسعه اقتصادی، امکان هدایت و جهت‌دهی توسعه را از دولت سلب کند. بلکه راهبرد سومی میبایست اتخاذ نمود که متناسب با دغدغه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و نیز الزامات عرصه اقتصاد جهانی ظرفیت دولت را در چانه زنی با نهادهای فراملی ارتقا بخشد و در عین حال با تأکید مضاعف بر اهمیت توسعه اقتصادی زمینه و بسترهای لازم را برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی در داخل فراهم نماید. مهمترین ابزار و مؤلفه در عرصه خارجی اتخاذ رویکرد اقتصادی به دیپلماسی و سیاست خارجی می‌باشد که امید است سرلوحه کار وزارت امور خارجه و دیپلمات‌های کشور قرار گیرد.

اولزن (۲۰۱۹) در پژوهشی یک سری از راهبردهای رشد اقتصادی را در آسیا برمی‌شمارد که باعث تولید کالاهای با ارزش افزوده زیاد، افزایش رقابت پذیری بین المللی و پرهیز از فشارهای کشورهای شمال برای لیبرالیزه کردن می‌گردد؛ به نحوی که از صنایع نوپا و روش‌های عادلانه تر اقتصادی و تجاری در سطح بین المللی حمایت به عمل می‌آید. بر این اساس کسانی چون کومار و کوربریج، مؤلفه‌هایی چون افزایش درآمد، رشد سرمایه گذاری خارجی، بهبود درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و افزایش اشتغال را از ویژگی‌های نقش دولت در استراتژی‌های رشد و توسعه محسوب می‌کنند و به شدت به وجود دولتی قدرتمند و توسعه‌گرا برای تحول در عرصه اقتصادی تأکید دارند.

آکا (۲۰۱۴) نویسنده ترک در مقاله تغییر پارادایمیک در سیاست معتقد است، دوره پسا جنگ سرد، دوره جدیدی در سیاست « خارجی ترکیه پس از جنگ سرد خارجی ترکیه است که ویژگی آن تلاش این کشور برای ایجاد اتحاد ایدئولوژیکی با کشورهای تجزیه شده از امپراطوری عثمانی است. به نظر وی این دوره را می‌توان به زیر دوره‌هایی تقسیم کرد که سیاست خارجی ترکیه را بر اساس ویژگی مذکور تحلیل کرد.

ارهان دوغان (۲۰۱۴) در مقاله استمرار و تغییر در سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه با استفاده از مفهوم جعل شده توسط ریچارد روز کرانس ترکیه را یک «دولت تاجر» توصیف می‌کند. البته این تاجرمنایی و عمل‌گرایی در دوره حزب عدالت و توسعه با لعابی از ایدئولوژی لفاظی همراه شده است. تأکید برگزیده شکوهمند و نیز پیوندهای مذهبی و فرهنگی ترکیه با جغرافیای عثمانی درونمایه ایدئولوژیک ترکیه است. البته ترکیه کماکان با حفظ روابط خود با آمریکا و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا جنبه عمل‌گرایی خود را حفظ کرده است.

کورساد توران (۲۰۱۲) استاد روابط بی‌ناملل دانشگاه قاضی آنکارا نیز در مقاله تغییرات در سیاست خارجی ترکیه «؟ سیاست خارجی ترکیه: تحول یا منافع زودگذر؟ به تغییرات اخیر پرداخته است. دو نمود این تغییرات عملکرد مستقل تر ترکیه به ویژه در سطح منطقه و تمرکز به مسئله فلسطین می‌باشد.

احمد سوزن (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان تغییر پارادایمیک در سیاست خارجی ترکیه؛ تحولات و چالش‌ها، با نقد چارچوب نظری سیاست قدرت برای بررسی ترکیه و لزوم توجه به عوامل هنجاری و داخلی سیاست خارجی راهبرد جدید سیاست خارجی ترکیه را که برآمده از عمق راهبردی داوداغلو است ترکیبی از پنج اصل می‌داند: توازن بین امنیت و آزادی؛ مشکلات صفر با همسایگان؛ سیاست‌های چندبعدی یا چندمسیری؛ گفت‌وگو دیپلماتیک جدید بر مبنای انعطاف‌پذیری مستحکم و دیپلماسی ریتمیک.

زیا اونیس (۲۰۱۱) پژوهشی را با عنوان چهره‌های ماندگار سیاست خارجی ترکیه انجام داد و محور مقاله خود را بحث‌های اخیر پیرامون استمرار و تغییر سبک سیاست خارجی ترکیه را مورد بحث قرار می‌دهد و می‌گوید ترکیه بنا بر زمینه بین‌المللی فعلی که جهان جندقطبی می‌باشد یک سیاست خارجی چندبعدی و صریح‌تر را در پیش گرفته است. نقد او نیز به این رویکرد ترکیه این است که کنشگرایی و سیاست خارجی چندبعدی ترکیه بدون داشتن محور مشخص و صرفاً براساس عمل‌گرایی ممکن است بر نقش ثبات‌آفرین ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای خوش خیم اثرات سوئی بگذارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توسعه‌ای کاربردی است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش سندپژوهی در چارچوب نظریه دولت توسعه‌گرا تدوین شده است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای (فیش برداری، جدول، استفاده از نقشه و کروکی) و ترکیبی از منابعی چون کتب، مجلات، و فصلنامه‌ها، اینترنت، آمار و اطلاعات مربوط به سفارتخانه‌ها، کتاب‌های سال کشورها و غیره (بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۴) است. جامعه آماری پژوهش صاحب نظران و فعالان دفاعی، امنیتی، سیاسی کشور هستند که شامل نیروهای مسلح، سازمان‌های کشوری، دانشگاه‌ها و مجموعه‌های مرتبط می‌باشد که ۱۱ نفر به صورت هدفمند برای مصاحبه‌های کیفی در مورد موضوع تحقیق انتخاب شدند. قبل از انجام مصاحبه، مصاحبه‌شوندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مشخص گردیدند و در این میان کسانی که دارای تجربه بیشتر در رابطه با موضوع پژوهش بودند انتخاب شدند. در ادامه از مصاحبه‌شوندگان در مورد معرفی افراد آگاه در رابطه با موضوع کمک گرفته شد. زمان مصاحبه‌ها از ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بر حسب نیاز تعیین شد و تا دست‌یابی به اطلاعات کافی ادامه پیدا کرده و در صورت لزوم مصاحبه‌ها تکرار شد و هر

مصاحبه مبنای مصاحبه بعدی قرار گرفته و تغییراتی در سوال‌ها اعمال گردید. این مصاحبه‌ها به روش نیمه ساختارمند از صاحب نظران آشنا به موضوع رساله به عمل آمد و گفته‌ها و نظرات آنها مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. برای تحلیل محتوا در این پژوهش از منابع نوشتاری شامل کتاب، مقاله، پایان نامه، مجلات و دیگر نوشته‌های داخلی و خارجی و محتوایی که پس از مصاحبه با متخصصان مرتبط با موضوع در جامعه و نمونه مشخص شده جمع‌آوری شدند، استفاده گردید. در ادامه برای دستیابی به الگوی مورد نظر طی سه مرحله از روش کدگذاری برای تعیین مولفه‌ها استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل محتوای کیفی استقرایی بهره گرفته شد.

تحلیل داده‌ها

پژوهش پیش روی با هدف تحلیل نقش سیاست‌ خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی کشورها (با تاکید بر سیاست‌ خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی) با ۱۱ مصاحبه عمیق انجام شده است. در این قسمت، نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. بدین ترتیب که در قسمت اول، نتایج توصیفی مرتبط با شرکت کنندگان در تحقیق حاضر و در قسمت دوم، نتایج به دست آمده از کدگذاری‌های (باز، محوری و انتخابی) مربوط به مصاحبه‌های انجام شده و در قسمت سوم مدل حاصل از آنها ارائه می‌گردد و در گام نهایی مدل مستخرج از بخش کیفی ارائه شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	سابقه خدمت	میزان تحصیلات	رتبه علمی	کد مصاحبه	سابقه خدمت	میزان تحصیلات	رتبه علمی
۱	۲۵ سال	دکتری تخصصی	استادیار	۷	۲۰ سال	دکتری تخصصی	استادیار
۲	۲۴ سال	دکتری تخصصی	استادیار	۸	۲۳ سال	دکتری تخصصی	پژوهشگر
۳	۲۰ سال	دکتری تخصصی	استادیار	۹	۲۱ سال	دکتری تخصصی	پژوهشگر
۴	۳۰ سال	دکتری تخصصی	دانشیار	۱۰	۲۲ سال	دکتری تخصصی	پژوهشگر
۵	۲۶ سال	دکتری تخصصی	استادیار	۱۱	۲۸ سال	دکتری تخصصی	پژوهشگر
۶	۲۵ سال	دکتری تخصصی	استادیار	-	--	---	--

سوال اول پژوهش: سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی چه تأثیراتی دارد؟

جدول ۲- اثرات سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی

سازه اصلی	مقولات محوری	مقولات فرعی	مفاهیم
سیاست خارجی توسعه‌گرا	اثرات سیاسی-امنیتی	یافتن و منطقه در نفوذ گسترش مناسب جایگاهی	تدوین اصول و تعیین جهت گیری سیاست خارجی دولت
			مطرح شدن دکترین عمق استراتژیک
			متوازن کردن روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی
			فرآیند همگرایی اتحادیه اروپا
		استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی	ایجاد مقذورات و محذورات برای عملکرد رهبران کشور
			صلح و توسعه جهان اسلام و جنوب غرب آسیا
		نئوعثمانیسم و پانترکیسم اندیشه	تغییر سیاست خارجی ترکیه از حالت واکنشی به استراتژی فعال
			چشم انداز استراتژیک نئوعثمانی گرایی
			تحولات جنوب غرب آسیا و خیزش جریان اسلام گرایی
			تحقق نقش رهبری ترکیه در منطقه
		توسعه همکاری با کشورهای همسایه	ایفای نقش فعال در جنوب غرب آسیا
			بهبود مناسبات با عراق
			توسعه روابط با کردها و اقلیم کردستان عراق
	اثرات اجتماعی	توسعه حکمرانی خوب	بهبود روابط ترکیه و روسیه در چارچوب اتحاد استراتژیک
			ظرفیت نهادی برای ایجاد بسترهای حرکت توسعه ای
		ملی گرایی مدنی	توجه به ویژگی های فرهنگی در روابط داخلی و خارجی
			انعطاف پذیری دولت برای تطابق دادن ساختار و سیاست
			پیوند و همکاری دولت و بنگاه های خصوصی
			استقلال نسبی دولتی مبتنی بر جامعه
		توسعه مشارکت مردم	مهار کردن قدرت روبه رشد سرمایه خصوصی
			اتکای جامعه به همه گروه های جامعه
			وجود زیرساختهای سخت افزاری و نرم افزاری
			حمایت از نیروی کار و سرمایه های انسانی

اثرات اقتصادی	تامین انرژی منطقه	تعیین استراتژی های تحول در سطح کلان
		تبدیل شدن به کانون انرژی
	سرمایه و تجاری روابط توسعه گذاری	تلاش برای معرفی اهمیت ایران به جامعه بین المللی
		جلب سرمایه گذاری های خارجی
		غلبه محوریت اقتصاد به سیاست
	ترکی سازی خطوط لوله	بازاریابی در کشورهای همسایه برای فروش محصولات داخلی
		تضمین امنیت انرژی از راه سیاست خارجی
		بهره برداری از انرژی به عنوان اهرم فشار

جدول ۲ مقولات و مفاهیم احصاء شده را نشان می دهد. همان گونه که در جدول مشاهده می شود سیاست خارجی توسعه گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می تواند تاثیرگذار باشد که شامل اثرات سیاسی - امنیتی (گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب، استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، اندیشه پانترکیسم و نئوعثمانیسم، توسعه همکاری با کشورهای همسایه)؛ اثرات اجتماعی (توسعه حکمرانی خوب، ملی گرایی مدنی، توسعه مشارکت مردم) و اثرات اقتصادی (تامین انرژی منطقه، توسعه روابط تجاری و سرمایه گذار، ترکی سازی خطوط لوله) می باشد.

سوال دوم پژوهش: سیاست خارجی توسعه گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی فرامنطقه ای ترکیه چه تأثیری دارد؟
جدول ۳- اثرات سیاست خارجی توسعه گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی فرامنطقه ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی

سازه اصلی	مقولات محوری	مقولات فرعی	مفاهیم
سیاست خارجی توسعه گرا	اثرات سیاسی - امنیتی	های قطب با روابط تحکیم و حفظ قدرتمند	حمایت آمریکا از اجرای طرح جنوب غرب آسیای بزرگ
			ارتباطات اقتصادی مبتنی بر تفکر نظام امنیت مشترک
			معرفی اسلام دموکراتیزه به سبک غربی
			توجه ترکیه به خلیج فارس، به جای تکاپو برای اتحادهای نظامی
	پرهیز از درگیری در رقابت نظامی	همکاری با غرب در مهار ایران	صهیونیستی رژیم و ترکیه یافته تنزل روابط
			وارد شدن به فاز نظامی نرم علیه سوریه
			تقابل با مردم سالاری دینی و مدینه النبی در بیان ایرانی

			روابط بر پایه درک مشترک و تحت تاثیر شرایط نوین
			نگاه راهبردی بر مبنای صلح متقابل
			طبقه بندی کشورها در مقولات مثبت و منفی
		تطبيق نگرشی پراگماتيستی و واقع گرایانه	تفکر امنیت مشترک منطقه مبتنی بر استفاده از منابع ژئواکونومی
			خلق بازارهای جدید و اعمال قدرت نرم در کشورهای هدف
			ایجاد مزیت های نسبی در عرصه تجارت
		جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال	دیالکتیک همکاری و رقابت
			حضور حداکثری در منطقه بر پایه همبستگی فرهنگی
			برخورد با قدرت های بومی
	اثرات اجتماعی	مردم سالار شدن سیاست خارجی	صفر کردن تنش باهمسایگان خود در قالب سیاست نگاه به شرق
			پایبندی به اصول نئولیبرال
			سیاست همکاری اقتصادی در کنار همکاری و تنش سیاسی
		ارائه الگوی پیشرفت ترکی	تکنولوژی پیشرفته صنایع دفاعی ترکیه
			موقعیت تمدنی و جغرافیایی ترکیه
			ایجاد تعرفه های نوین در حیطه های ملی
			تقویت تخصص گرایی
		تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین المللی	تعیین استراتژی های تحول در سطح کلان
		استراتژی توسعه صادرات	حمایت از بازار ملی و اصلاح انحرافات بازار
			همکاری با شرکت های چند ملیتی
			استراتژی اقتصاد آزاد بین المللی
			جلب حمایت رهبران اقتصادی و سیاسی
		توافقات تجارت آزاد و ترجیحی	سرمایه گذاری برون مرزی و صادرات خدمات فنی مهندسی و پیمانکاری خارجی
	اثرات اقتصادی		شرایط سیستماتیک برای استراتژی توسعه ملی از طریق چانه زنی ها و مذاکرات تجاری بین المللی

جدول ۳ مقولات و مفاهیم احصاء شده را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی فرا منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می‌تواند تاثیرگذار باشد که شامل اثرات سیاسی - امنیتی (حفظ و تحکیم روابط با قطب‌های قدرتمند، پرهیز از درگیری در رقابت نظامی، همکاری با غرب در مهار ایران، تطبیق نگرشی پراگماتیستی و واقع‌گرایانه)؛ اثرات اجتماعی (جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال، مردم سالار شدن سیاست خارجی، ارائه الگوی پیشرفت ترکی) و اثرات اقتصادی (تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی، استراتژی توسعه صادرات، توافقات تجارت آزاد و ترجیحی) می‌باشد.

سوال سوم پژوهش: سیاست خارجی توسعه‌گرا ترکیه در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی چه تأثیراتی دارد؟

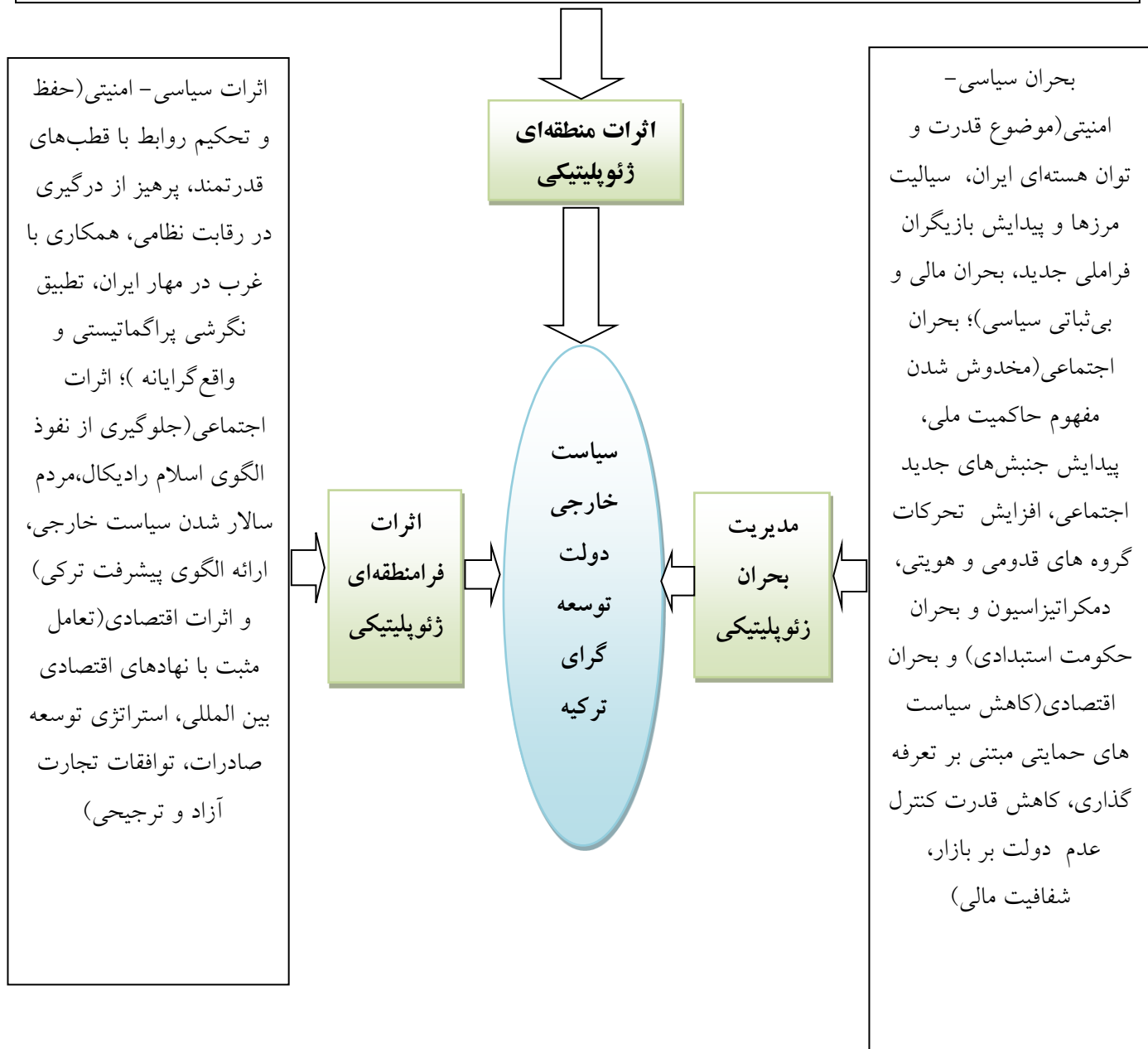
جدول ۴- اثرات سیاست خارجی توسعه‌گرا در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی

سازه اصلی	مقولات محوری	مقولات فرعی	مفاهیم
سیاست خارجی توسعه‌گرا	توازن سیاسی - امنیتی	موضوع قدرت و توان هسته‌ای ایران	مخالف گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جنوب غرب آسیا
			احتمال تغییر توازن نظامی در منطقه
			تلاش غرب برای انزوای ایران از جامعه بین‌الملل
			رقابت پذیری در بازارهای خاورمیانه
	توازن سیاسی - امنیتی	سیالیت مرزها و پیدایش بازیگران فراملی جدید	اختصاص بودجه‌های کلان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای خریدهای دفاعی
			برقراری روابط با جریان‌های مخالف سوریه
			کنترل مرزهای ملی
			جلوگیری از اقدامات خودسرانه و امنیت زدا
	توازن سیاسی - امنیتی	بحران مالی و بی‌ثباتی سیاسی	تفاوت در اندازه اقتصاد کشورهای همسایه
			انحصارگری سیاسی برنامه‌های اقتصادی در کشورها
			عرصه‌های ژئوپلیتیکی در قدرت اعمال ابزارهای و شیوه‌ها تغییر نوین
			کاهش قدرت دولت
		مخدوش شدن مفهوم حاکمیت ملی	الزام ترکیه به اجرای استانداردهای اقتصادی

برنامه اجتماعی	پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی	چشم‌انداز خیزش‌های مردمی
		تلاش آنکارا با سرازیر شدن پناهندگان سوری به ترکیه
	افزایش تحرکات گروه‌های قدومی و هویتی	افزایش نفوذ شیعه و حتی شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه
		شکاف میان دولت‌های سنی عرب و ایران
		چالش تعامل با سایر دول اعم از غرب، شرق، اسلامی، یهود
		چالش حفظ فرهنگ غنی و میراث متکثر فرهنگی این کشور
	دمکراتیزاسیون و بحران حکومت استبدادی	مواضع سیاسی حق جویانه اردوغان در خصوص فلسطین
		تقبیح و پیگیری قتل جمال خاشقجی
		ایفای نقش نیابتی از غرب در حوزه‌های سیاسی، امنیتی
		ارائه الگوی لائیک نظام سیاسی
بحران اقتصادی	کاهش سیاست‌های حمایتی مبتنی بر تعرفه‌گذاری	تعیین استراتژی‌های تحوّل در سطح کلان
	کاهش قدرت کنترل دولت بر بازار	ادغام بازارها
		تداوم در عین گسست
		تغییر نقش دولت در فرآیند جهانی شدن
	عدم شفافیت مالی	مبارزه نهادی با فساد
		تقویت قانون و حقوق مالکیت
		تحوّل استراتژی‌های به نسبت در تصمیم‌گیری عدم کارایی

جدول ۴ اثرات سیاست خارجی توسعه‌گرا در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود سیاست خارجی توسعه‌گرا در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی فرامنطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می‌تواند تاثیرگذار باشد که شامل بحران سیاسی-امنیتی (موضوع قدرت و توان هسته‌ای ایران، سیالیت مرزها و پیدایش بازیگران فراملی جدید، بحران مالی و بی‌ثباتی سیاسی)؛ بحران اجتماعی (مخدوش شدن مفهوم حاکمیت ملی، پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی، افزایش تحرکات گروه‌های قدومی و هویتی، دمکراتیزاسیون و بحران حکومت استبدادی) و بحران اقتصادی (کاهش سیاست‌های حمایتی مبتنی بر تعرفه‌گذاری، کاهش قدرت کنترل دولت بر بازار، عدم شفافیت مالی) می‌باشد.

استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، اثرات سیاسی - امنیتی (گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب، اندیشه پانترکیسم و نئوعثمانیسم، توسعه همکاری با کشورهای همسایه)؛ اثرات اجتماعی (توسعه حکمرانی خوب، گذار، ملی گرایی مدنی، توسعه مشارکت مردم) و اثرات اقتصادی (تامین انرژی منطقه، توسعه روابط تجاری و سرمایه ترکی سازی خطوط لوله)



شکل ۱ طرح پارادایمی نقش سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز جنوبی

نتایج پژوهش نشان داد سیاست خارجی توسعه‌گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می‌تواند تاثیرگذار باشد که شامل اثرات سیاسی - امنیتی (گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب، استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، اندیشه پانترکیسم و نئوعثمانیسم، توسعه همکاری با کشورهای همسایه؛ اثرات اجتماعی (توسعه حکمرانی خوب، ملی‌گرایی مدنی، توسعه مشارکت مردم) و اثرات اقتصادی (تامین انرژی منطقه، توسعه روابط تجاری و سرمایه‌گذار، ترکی سازی خطوط لوله) می‌باشد. همسو با این نتایج، امیدی و قلمکاری (۱۳۹۸). در پژوهش خود نشان داد دولت توسعه‌گرای حزب عدالت و توسعه در دوران حاکمیت خود توانسته است بین توسعه اقتصادی و سیاست خارجی تعامل برقرار کند و در صدد است تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را به ۱۰ کشور برتر اقتصاد جهان تبدیل نماید. غلامعلی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تطبیقی سیاست خارجی کمالیستها و پساکمالیستها در جمهوری ترکیه نشان دادند با قدرت‌گیری گفتمان جدید، تغییرات مهمی در سیاست خارجی ترکیه پدید آمده است و این تغییرات از طریق رویکرد تطبیقی در سه مورد اتحادیه اروپا، خاورمیانه و مسئله فلسطین نشان داده شده است. همچنین آجورلو و محمودی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود نشان داد سیاست خارجی کنونی ترکیه متأثر از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، مبتنی بر عملگرایی، واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی است که هیچ سنخیتی با رویکرد ایدئولوژیک ندارد و با تداوم حاکمیت این حزب شکی نیست که چنین نگرشی راه گشای آنها در آینده نیز خواهد بود.

در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت که سیاست قفقازی ترکیه در ده سال گذشته مانند سایر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور تحت تاثیر فرآیند تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا قرار داشته است شاید باور به امکان عضویت کامل با گذشت چند دهه کم رنگ شده باشد اما تلاش برای دستیابی به استانداردهای لازم برای عضویت بیشتر شده است. ترکیه به بهره‌برداری از روابط با همسایگان شرقی برای نزدیکی به اروپا گرایش دارد. ترکیه که در کشورهای قفقاز ناچار به رویارویی با غرب نبوده، تا حد امکان از برخورد با قدرت بومی منطقه یعنی روسیه هم رویگردان بوده است. حجم تجارت ترکیه با مجموع کشورهای قفقاز در مقایسه با روسیه رقم ناچیزی است بنابراین این کشور در زمان جنگ پنج روزه روسیه و گرجستان تا آنجا که ممکن است از تحریک روسیه خودداری کرد. درخواست تبدیل شدن به یک کانون انرژی و نیاز روز افزون صنایع رو به رشد ترکیه به سوخت های فسیلی در سال های اخیر، عمل‌گرایی و انعطاف پذیری را به چراغ راهنمای روابط با کشورهای دارنده انرژی و کشورهایی که نقش ارتباطی مهمی در انتقال انرژی دارند تبدیل کرده است. درصد زیادی از حجم تجارت ترکیه با جمهوری آذربایجان مربوط به معاملات انرژی است. این کشور افزون بر نقش آفرینی در تامین انرژی ترکیه به دلیل درآمد بیشتر و اندازه بزرگتر اقتصادش در مقایسه با کشورهایی که در منطقه منابع غنی فسیلی ندارند، می‌تواند بازار مطمئنی برای صدور کالاها و خدمات ترکیه باشد. همچنین ترکیه به جذب درآمدهای این کشور به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم امیدوار است. بنابراین تمام کشورهای قفقاز به یک اندازه برای ترکیه مهم نیستند. تعامل با کشورهای قفقاز با هدف حرکت در مسیر همگرایی منطقه‌ای ناممکن بوده، به دلیل دشمنی های کهن سابقه آنها با یکدیگر و عقب ماندگی و تفاوت ساختارهای سیاسی و اقتصادی شان با ترکیه، رویکرد دوجانبه را بر روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه با این کشورها حاکم کرده است.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد سیاست خارجی توسعه گرا در ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی فرمانطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می تواند تاثیرگذار باشد که شامل اثرات سیاسی- امنیتی (حفظ و تحکیم روابط با قطب‌های قدرتمند، پرهیز از درگیری در رقابت نظامی، همکاری با غرب در مهار ایران، تطبیق نگرشی پراگماتیستی و واقع گرایانه)؛ اثرات اجتماعی (جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال، مردم سالار شدن سیاست خارجی، ارائه الگوی پیشرفت ترکی) و اثرات اقتصادی (تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین المللی، استراتژی توسعه صادرات، توافقات تجارت آزاد و ترجیحی) می باشد. همسو با این نتایج، پژوهش احمدی (۱۴۰۰) سیاست های خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه رویکرد نوینی را در پیش گرفته و دچار دگرگونی شده است پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ دستگاه سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر غرب محوری و غرب مداری نگاه به شرق و فاصله گرفتن از سیاست های پان ترکیتی به همراه گرایش جدی برای عضویت در اتحادیه اروپا را الگوی کار خود قرار داد. ترکیه مصمم است تا نگاه امنیتی حاکم بر روابط ترکیه و روسیه در گذشته را به نگرشی مسالمت آمیز بر روابط دو کشور تبدیل کند در واقع این کشور به دنبال یک سیاست خارجی چند وجهی است اما سیاست جدید حزب عدالت و توسعه همواره با این انتقاد روبرو بوده است که در تعارض با سیاست های غربی گرایی این کشور قرار داشته است. فلاحی پیشه و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه انجام دادند و نشان دادند. سیاست های ترکیه در این منطقه در تقابل با منافع ایران و روسیه می باشد و سبب تحدید منافع منطقه ای ایران و روسیه شده است. همچنین سیاست های ترکیه در قفقاز، به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منافع منطقه ای ایران و روسیه و تحدید منافع آنها، سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان ترکیه با ایران و روسیه در قفقاز جنوبی شده است. اولزن (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان داد که مولفه هایی چون افزایش درآمد، رشد سرمایه گذاری خارجی، بهبود درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و افزایش اشتغال را از ویژگی های نقش دولت در استراتژی های رشد و توسعه محسوب می کنند و به شدت به وجود دولتی قدرتمند و توسعه گرا برای تحول در عرصه اقتصادی تأکید دارند.

در تبیین نتایج می توان گفت که سیاست خارجی بر عناصر خاصی تأثیر می گذارد و همین عناصر جهت گیری آن را تعیین و به عنوان معیار و شاخصه ای برای ترسیم استراتژی های یک کشور عمل می کنند. اتخاذ یک سیاست خارجی منطقی در تدوین و پیشبرد اهداف هر کشوری به منظور تأمین منافع ملی، مهم ترین اصل اساسی به شمار می رود. براین اساس سیاست خارجی عبارت است از: مبانی نظری و الگوهای رفتاری یک دولت برای تبیین و تحصیل منافع ملی و امنیت ملی در برابر سایر بازیگران رسمی و غیررسمی در صحنه بین المللی. سیاست خارجی را می توان در سطوح مختلف محلی، منطقه ای، قاره ای و جهانی بررسی نمود که متناسب هر یک از سطوح، فرایند سیاست خارجی نیز متفاوت است. داود اوغلو با آگاهی از موقعیت تمدنی و جغرافیایی ترکیه، رویکرد نوینی را در چارچوب تئوری عمق استراتژیک برای سیاست خارجی این کشور ترسیم می کند که به موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور بر می گردد. دولت اردوغان با تکیه بر جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه و عمق استراتژیک سعی دارد از ظرفیت های این کشور برای تحقق نئوعثمانی گرایی یا به عبارت دقیق تر،

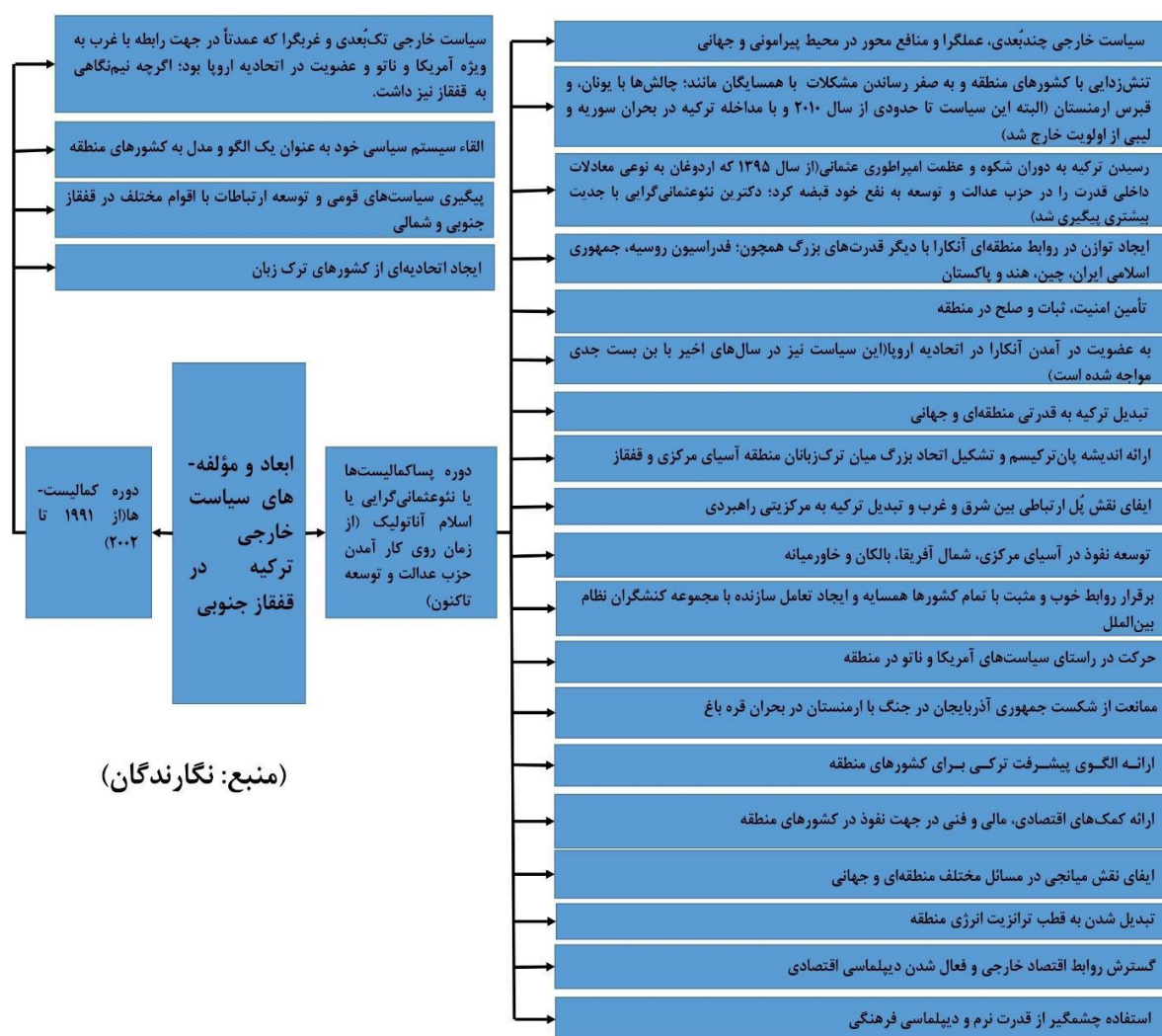
ایفای نقش یک قدرت منطقه‌ای یا شاید هژمونی منطقه‌ای بهره‌گیرد. در راستای رسیدن به این هدف، حزب عدالت و توسعه می‌خواهد به واسطه صفر کردن تنش با همسایگان خود در قالب سیاست نگاه به شرق و حفظ و تحکیم روابط با قطب‌های قدرتمند قدرت مانند اتحادیه اروپا و آمریکا بتواند وزن ژئوپلیتیکی خود را درون رقابت‌های ژئوپلیتیکی ارتقا بخشد. رهبران ترکیه به خوبی آگاه هستند که نباید در زمینه روابط با دولت‌های غربی و نگاه به شرق، توازن به هم بخورد و منافع ترکیه با اروپا و متحد استراتژیک خود یعنی آمریکا اصطکاک پیدا کند. این حزب با تطبیق نگرشی پراگماتیستی و واقع‌گرایانه نسبت به ژئوپلیتیک ترکیه تلاش دارد موقعیت حساس این کشور را به واسطه ایجاد توازن و تعادل دچار بحران نکند. موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه این امکان را فراهم نمی‌سازد تا رهبران این کشور خود را از معادلات رقابت میان قدرت‌ها در خصوص رقابت ژئوپلیتیکی جدا سازند، بلکه چنین موقعیتی به رهبران عملگرایی نیاز دارد تا با رویکردی واقع‌گرا و درک حساسیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه خود را مستحکم سازند. تحولات به وجود آمده در سیاست خارجی ترکیه و تمایل این کشور به کشورهای شرق به ویژه جنوب غرب آسیا و جهان اسلام، مهم‌ترین تغییری است که رویکرد این کشور را نسبت به منطقه دگرگون کرده است؛ ولی نگاه به شرق ترکیه را باید به عنوان تاکتیک این حزب برای رسیدن به اهداف استراتژیک ترکیه، یعنی تحکیم جایگاه آن در معادلات سیاست و قدرت غرب و به خصوص آمریکا دانست. رهبران اسلام‌گرای ترکیه به خوبی آگاه هستند که ضمن تداوم روابط با غرب و همراهی آمریکا، به واسطه برقراری روابط دوستانه با کشورهای پیرامونی می‌توانند از هزینه‌های روابط متشنج بکاهند و قدرت خود را در نظام بین‌الملل تقویت کنند. در کل سیاست خارجی کنونی ترکیه متأثر از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، مبتنی بر عملگرایی، واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی است که هیچ سنخیتی با رویکرد ایدئولوژیک ندارد و با تداوم حاکمیت این حزب شکی نیست که چنین نگرشی راه گشای آنها در آینده نیز خواهد بود.

نتایج پژوهش حاضر همچنین بیانگر آن است که سیاست خارجی توسعه‌گرا در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی فرامنطقه‌ای ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی در سه حیطه می‌تواند تأثیرگذار باشد که شامل بحران سیاسی - امنیتی (موضوع قدرت و توان هسته‌ای ایران، سیالیت مرزها و پیدایش بازیگران فراملی جدید، بحران مالی و بی‌ثباتی سیاسی)؛ بحران اجتماعی (مخدوش شدن مفهوم حاکمیت ملی، پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی، افزایش تحرکات گروه‌های قدومی و هویتی، دمکراتیزاسیون و بحران حکومت استبدادی) و بحران اقتصادی (کاهش سیاست‌های حمایتی مبتنی بر تعرفه‌گذاری، کاهش قدرت کنترل دولت بر بازار، عدم شفافیت مالی) می‌باشد. در این راستا آجورلو و محمودی (۱۳۹۲). تأثیر ژئوپلیتیک ترکیه بر سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه را مورد بررسی قرار دادند یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک ترکیه بر جهت‌گیری و تدوین سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه در چارچوب عمق استراتژیک تأثیر گذاشته است تحولات به وجود آمده در سیاست خارجی ترکیه و تمایل این کشور به کشورهای شرق به ویژه جنوب غرب آسیا و جهان اسلام، مهم‌ترین تغییری است که رویکرد این کشور را نسبت به منطقه دگرگون کرده است زیا اونیس (۲۰۱۱) پژوهشی را با عنوان چهره‌های ماندگار سیاست خارجی ترکیه انجام داد وی محور مقاله خود را بحث‌های اخیر پیرامون استمرار و تغییر سبک سیاست خارجی ترکیه را مورد بحث قرار می‌دهد و می‌گوید ترکیه بنا بر زمینه بین‌المللی فعلی که

جهان جندقطبی می‌باشد یک سیاست خارجی چندبعدی و صریح‌تر را در پیش گرفته است. نقد او نیز به این رویکرد ترکیه این است که کنشگرایی و سیاست خارجی چندبعدی ترکیه بدون داشتن محور مشخص و صرفاً براساس عمل گرایی ممکن است بر نقش ثبات آفرین ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای خوش خیم اثرات سوئی بگذارد.

در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی منجر به تقابل منافع و راهبردهای آن کشور با دو قدرت جهانی و منطقه‌ای یعنی روسیه و جمهوری اسلامی ایران شده است. البته این تقابل منافع و ماهیت اختلافات و رقابت‌ها متنوع و متفاوت است، به گونه‌ای که منجر به وحدت منافع و راهبردهای ایران و روسیه در مقابل ترکیه نشده است و هر چند که در برخی موضوعات، دو کشور از ناحیه ترکیه، رقابت و یا تهدید مشترکی را احساس میکنند، اما این حوزه رقابتی به حدی نیست که منجر به شکل‌گیری راهبرد مشترک میان آنها شود.

تحولات جنوب غرب آسیا و خیزش جریان اسلام‌گرایی موجب چالشی معنایی شده است که اگر آن را با آسیب دیدگی نظم سیاسی منطقه‌ای جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهورکنار هم قرار دهیم، ابعاد بیشتری از تحولات آشکار می‌شود. مهم‌ترین بحران‌های سیاسی جهان معاصر در این منطقه رقم می‌خورد و چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی از عوامل شکل دهنده، تشدیدکننده و تداوم بخش بحران در این حوزه جغرافیایی است. چشم انداز خیزش‌های مردمی بیانگر آغاز تحولات ژئوپلیتیکی گسترده در فضای جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا است و جغرافیای سیاسی منطقه را متأثر می‌کند. برای تعیین سطح و وزن ژئوپلیتیکی هر یک از کشورهای منطقه، باید سیاست خارجی و قدرت ملی آنها را مورد سنجش قرارداد. سنجش سیاست خارجی کشورها مستلزم ارزیابی و محاسبه مولفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، نظامی، فرهنگی، علمی و فرامرزی است. برای شناخت سیاست‌های خارجی کشورها و سطح قدرت آنها در یک رابطه سلسله مراتبی، سنجش وزن ژئوپلیتیکی آنها ضروری است. مطالعه سیاست خارجی کشورهای مختلف از نظر عملی واجد پیامدهای مهمی است اگر بتوان درکی صحیح از علل تصمیم‌گیری‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری، پیامد تصمیمات و غیره در حوزه سیاست خارجی داشت می‌توان به سیاست‌گذاری خارجی در عمل نیز کمک کرد. فهم درست سیاست خارجی خود و دیگران می‌تواند توفیق در سیاست‌گذاری مناسب شود و نیل به اهداف ملی را محتمل‌تر سازد و نیز از اتخاذ تصمیمات نابجا و نامناسبی که ممکن است در نهایت مغایر با منافع ملی کشور باشد جلوگیری کند. بهر حال چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ عملی، شناخت سیاست خارجی حائز اهمیت زیادی است آنچه می‌تواند در این شناخت کمک کند مبانی تحلیلی و نظری مناسب است. با توجه به روند فعلی یارگیری استراتژیک کشورهای قفقاز جنوبی و نیز اهمیت استراتژیک منطقه در حوزه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، بی‌شک عادی‌سازی مناسبات ترکیه - ارمنستان باعث تحول در معادلات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک منطقه خواهد شد که از منظر دول قفقاز، قدرت‌های پیرامونی و جهانی ذینفع در منطقه اهمیت دارد.



(منبع: نگارندگان)

منابع

- احمدی، حمید (۱۴۰۰). نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه. نشریه حقوق ملل. ۱۲ (۳۳). ۹۲۸-۸۹۹
- اسلامیان، مجتبی، حبیبی، رحمان (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا. فصلنامه روابط خارجی. ۱۲ (۲). ۳۳۷-۳۶۵
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات فرهنگ و مطالعات نظامی.

- امیدی، علی؛ قلمکاری، آرمین (۱۳۹۸). تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل. ۲(۱). ۳۳-۱
- آجورلو، محمد؛ رامز، محمودی (۱۳۹۲). تأثیر ژئوپلیتیک ترکیه بر سیاست خارجی دولت اسلام گرای عدالت و توسعه. نشریه آفاق امنیت. ۲۱(۵). ۲۱۲-۱۸۱
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه ای ج.ا.ا. در اقتصاد جهانی.
- دبیری، علی اکبر؛ حافظ نیا، محمدرضا؛ صفوی، سید یحیی (۱۳۹۶). ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکلگیری و فعالیت گروههای تروریستی مطالعه موردی: مناطق مرزی بین افغانستان و پاکستان. مجله پژوهش های جغرافیای سیاسی. ۲(۲). ۳۰-۱
- ذوقی بارانی، کاظم، روح الله قادری کنگاوری و محمدرضا فراتی (۱۳۹۰). تحلیل ژئوپلیتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در جنوب غرب آسیا»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۰، ش ۷
- صیادی، هادی؛ سنایی، اردشیر (۱۳۹۷). عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال های ۱۹۹۱-۲۰۱۶. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۰(۳۹). ۱۱۷-۸۳
- عبدی، عطالله؛ کریمی پور، یدالله؛ فرجی راد، عبدالرضا (۱۴۰۰). تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه. فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۷(۱). ۵۶-۱۹
- عطایی، فرهاد، حسن شکاری و حمیدرضا عزیزی (۱۳۹۱). سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، ۲۱(۲). ۶۳
- غلامعلی، سلیمانی؛ رضاپور، دانیال؛ فاضلی، سامان (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیستها و پساکمالیستها در جمهوری ترکیه. پژوهش های سیاسی جهان اسلام. ۹(۲). ۲۴۱-۲۱۵.
- فلاح پیشه، (۱۳۹۴). سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه. فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست. ۳(۱۲). ۳۷-۶۰
- فلاحی، احسان، شفیع، نوذر (۱۴۰۰). بازخوانی جایگاه سیاست خارجی توسعه گرا در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. ۹(۱). ۲۵-۱
- فولکاووسکی، مسیح (۱۳۸۸). بازی ترکیه در قفقاز ترجمه آیت الله مرادی، ایراس. دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا. شماره ۲۵
- قالیباغ، محمدباقر، سید محمد یعقوبی و ابوالقاسم محمودی (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی های فسیلی، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۰(۳)
- کاکایی، سیامک؛ دهقانی، سید جلال (۱۴۰۰). سیاست ترکیه در مناقشه قره باغ. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۷(۱۱۵). ۹۷-۱۲۲
- کالچی، شهرام (۱۳۸۸). تأمل بر دلایل و پیامدهای احیای روابط ارمنستان و ترکیه. مجله گزارش، ۳(۲۱).
- لاهوریان، علی (۱۳۹۵). دولت توسعه گرا و آینده آن در فرایند جهانی شدن. فصلنامه سیاست نامه علم و فناوری. ۶(۴). ۱-۱۲
- مصلی نژاد، عباس؛ اکبری، سمانه (۱۳۹۱). نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۴(۲). ۲۷-۱

موثقی، احمد؛ علی زاده، شیوا (۱۳۹۳). سیاست خازجی توسعه‌گرای ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه: مورد قفقاز. مطالعات اوراسیای مرکزی. ۷(۲). ۳۷۵-۳۹۳

یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی و سوسن مرادی (۱۳۸۶). تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید «، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۳).

Aras, Bulent (2010) , “Making Sense of Strategic Depth in Turkey’s Foreign Policy in a Changing World , International Conference, University of Oxford(South East European Studies at Oxford), 30 April, 2 May .

Cohen , Ariel (2013),” Obama’s Best Friend? The Alarming Evolution of US-Turkish Relations”, Mideast Security and Policy Studies, No. 100 , May.

Dogan, Erhan (2014) “Continuity and Change in Turkish Foreign Policy During the JDP”, Strategic Review, No 7

Evans, P. & Heller, P. (2013). Human Development, State Transformation and the Politics of the Developmental State, Chapter 37 in The Oxford Hand book of Transformations of the State. Edited by Leibfried Stephan& et al, Oxford: Oxford University Press.

Kaya, M.K, (2009), “The Eastern Dimiension in Turkish Foreign Policy Grows” , Turkish Analyst, VOL.2, NO. 18

Nas, Tevfik, (2008), Tracing the Economic Transformation of Turkey from the 1920s to EU accession, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

Oktem, Kerem, (2011), Angry Nation: Turkey since 1989, London: Zedbooks

Analysis of the role of developmentalist foreign policy in increasing the geopolitical weight of countries (with emphasis on turkey's foreign policy in the south Caucasus region)

Dr. Qiuomars Yazdanpanah Dero

Associate Professor, Department of Geography, University of Tehran

Dr. Ribaz Ghorbani nejad

Assistant Professor, Department of Geography, Azad University, Science and Research Branch
Siamak Abbasi

PhD student in Political Geography, Azad University, Research Sciences Branch

Abstract

The aim of the current research was to analyze the role of developmentalist foreign policy in enhancing the geopolitical weight of countries (with an emphasis on Turkey's foreign policy in the South Caucasus). The current research is a type of applied development studies, which was compiled with a descriptive-analytical approach and with the document research method in the framework of the developmentist government theory. The statistical population of the research is among the defense-security-political experts and activists of the country, which includes the armed forces, national organizations, universities and related groups, and 11 people were purposefully selected for qualitative interviews on the subject of the research in order to collect data using The library method, including document review, documentary reports, authentic scientific articles (1990 to 2024), and authentic websites in the field of the research topic and semi-structured interviews were used. After the interview questions were formulated through the study of theoretical research literature, before conducting the interview, the interviewees were selected through purposeful and snowball sampling, and among these, those who had more experience in relation to the research topic were selected. Inductive qualitative content analysis was used to analyze the qualitative data. The findings of the research showed that the developmentist foreign policy can be effective in improving Turkey's regional and extra-regional geopolitical position in the South Caucasus region in three political-security, social and economic areas. The results also showed that the developmentist foreign policy is effective in managing extra-regional geopolitical crises. Turkey can be effective in the South Caucasus region in three areas: political-security crisis, social crisis and economic crisis.

Keywords: foreign policy, development-oriented government, geopolitical weight, Türkiye.